

به مناسبت برنامه فرهنگی - هنری بنیاد توس در لندن گفتگو با فنوش بهزاد، پری ثمر و ماریو تقدسی رهبر ارکستر سمفونی و خواننده های اپرا

اشاره:

همانگونه که در شماره گذشته کیهان خواندید بنیاد فرهنگی - هنری توس برنامه ویژه ای را در ۲۹ نوامبر در لندن به صحنه می برد که این برنامه به سیر تحول موسیقی کلاسیک، باله و اپرا در ایران و نیز گرامیداشت حسین دهلوی و ثمین باغچه بان دو هنرمند سرشناس اختصاص دارد. از جمله هنرمندانی که در این شب برنامه اجرا خواهند کرد فنوش بهزاد آهنگساز و رهبر ارکستر و پری ثمر و ماریو تقدسی خواننده موسیقی کلاسیک هستند.

گفتگوی کوتاهی با این سه هنرمند ارزنده انجام داده ایم که می خوانید.

سؤال: آقای فنوش بهزاد برای آشنائی بیشتر لطفا در باره کار خودتان بفرمائید؟

پاسخ: من آهنگساز و رهبر ارکستر هستم، تحصیلات و فعالیت های موسیقائی من در حیطه موسیقی غربی و همینطور موسیقی شرقی بخصوص ادبیات ارکستری ایرانی می باشد. در سالهای اخیر اجرای موسیقی ارکستری ایرانی را بخش مهمی از

فعالتهای خودم قرار داده ام. چندین کنسرت با ارکستر جدید فیلارمونیک برای اجرای موسیقی شرقی و غربی داشته ام، در این کنسرت ها به



اجرای آثار آهنگسازان غربی و شرقی که تحت تأثیر فرهنگهای یکدیگر هستند پرداخته ام، این گفتگوی فرهنگی و آوردن فرهنگهای مختلف به زیر یک سقف برای من جذابیت زیادی دارد.

سؤال: چطور شد که با بنیاد توس در این برنامه همکاری می کنید؟

پاسخ: سالیان درازی است که شاهد علاقه و فعالیت های فرهنگی - هنری خانم جمیله خرازی بنیانگذار بنیاد توس هستم و همینطور در برنامه های بزرگ سالیانه این بنیاد شرکت داشتم و شاهد علاقه و پافشاری ایشان برای

پری ثمر خواننده

سؤال: خانم ثمر، از تحصیلات و تجربیاتتان در موسیقی کلاسیک برایمان بگوئید.

پاسخ: من آشنائی با موسیقی را با نواختن ویلن شروع کردم، اما از کودکی علاقه به خواندن داشتم. خانم اولین باغچه بان که صدای مرا شنیدند و استعداد مرا تشخیص دادند به تربیت و تعلیم صدای من همت گماشتند و در حقیقت اولین استاد و مشوق من ایشان بودند که همیشه بسیار سپاسگزارم. تحصیلات خود را در هنرستان عالی موسیقی تهران با رتبه شاگرد اول در رشته آواز به پایان رساندم و برای ادامه تحصیل به آکادمی آواز وین در اتریش رفتم و دوران هفت ساله فوق لیسانس را با رتبه شاگرد اول دانشگاه در پنج سال به اتمام رساندم و مفتخرم که تحت نظر استادان ارشدی چون خانم پروفیسور کریستین مولر و پروفیسور اریک وربا کار کردم.

از موارد استثنائی زندگی من یکی هم آن بود که در زمان دانشجویی به کرات بر صحنه اپرای ملی وین برنامه اجرا کردم و بلافاصله در همین اپرا استخدام شدم ولی پس از دو سال به دلیل شخصی به استخدام اپرای فرانکفورت در آمدم و تا مدت سی سال بعد توانستم ستاره اول این اپرا خانه باقی بمانم و به موازات آن، همان زمان طبق قرارداد دیگری با اپرای مونیخ نیز همکاری می کردم.

در پیش از شانزده اپرا خانه بزرگ دنیا و با بیش از صد و بیست آهنگساز برجسته و معروف بین المللی به عنوان خواننده با نقش اول همکاری کردم. من فقط اپرای کارمن اثر ژرژ بیزه و آرایشگر شهر سویل اثر روسینی را بیش از چهارصد بار اجرا کردم. نقش های دیگری از جمله دورابلا، عروسی فیگارو، دون کارلوس را همه با ایفای نقش اول زن

معرفی هنرمندان و آثارشان بوده ام. مسأله مهم دیگری که برای من بنیاد توس را از بقیه دست اندارکاران فرهنگی متمایز میکند، نگرش مردمی این بنیاد است که طیف وسیعی از ایرانیان را مد نظر دارد.

از من خواسته شد که رهبری ارکستر اختصاصی این برنامه را بدون هیچ محدودیت و همینطور با تأکید روی هنری - فرهنگی بودن اجرای این برنامه به عهده بگیرم و من با خوشحالی پذیرفتم.

سؤال: ارکستری که بطور اختصاصی برای این برنامه برپا شده است دارای چه مشخصاتی است و چه آثاری را اجرا می کند؟

پاسخ: این ارکستر از نوازندگان چیره دست اروپایی انتخاب شده و تعداد زیادی از اعضای آن در کنسرت های شرق و غرب که من رهبری آنها را به عهده داشته ام با من همکاری نزدیک داشته اند؛ در نتیجه آشنائی و تجربه این ارکستر همانطور که در شب اجرا خواهیم شنید با آثار شرقی بسیار است. آثاری که در ۲۹ نوامبر اجرا می کنیم بیشتر از آهنگسازان بزرگ ایرانی است. کارهایی مانند «بومی وار» اثر ثمن باغچه بان، کنچر تینو برای ارستور و ارکستر اثر حسین دهلوی که بخش سولوی سنتور را آقای حمید رضا راستی به عهده دارند.

تصویرهای ایرانی اثر حشمت سنجری، سوئیت «آارات» اثر لوریس چکناوریان و همینطور چند آرایش ارکستری از من روی قطعات آوازی محلی ایرانی و ترانه های غربی توسط خانم پری ثمر و ماریو تقدسی از خوانندگان خوب اپرا اجرا می - شوند.



سؤال: آیا موسیقی کلاسیک اروپائی به طور کلی در گستره فرهنگی ایران در قرن بیستم جایگاهی داشته است؟

پاسخ: موسیقی کلاسیک علاقمندان خاصی در دنیا داشته و دارد و اصولاً این علاقه با انسان متولد نمیشود؛ برای علاقه سواد و تحصیلات به خصوص لازم است که فرد از خوش آیند به عشق برسد تا بتواند به عنوان تزکیه روح و قوت معنوی دل و جانش از این موسیقی لذت ببرد و این موج تغییر سلیقه با رسمی شدن اپرای تهران و تالار رودکی در میان مردم شروع شد و امروز از تشویق و کثرت تماشاچیان ایرانی در اپراخانه های جهان می - فهمیم که هنوز هواداران موسیقی کلاسیک و اپرا در میان این ملت فراوان هستند.



خواننده در آن آثار اجرا کردم همچنین با رهبران و خوانندگان تراز اول اپرای جهان مثل پلاسیده دو مینگو در اثر قدرت سرنوشت از وردی نقش اول را داشتم و بسیار خوشوقتم که اکنون دخترم سمیرا ثمر نیز در همین راه فعالیت های چشمگیری دارد.

سؤال: نظرتان را راجع به سازمانهایی مثل توس برای ما توضیح دهید. با تکیه به سالها تجربه، شما فکر می کنید چه اقدامات دیگری باید انجام شود تا در این هدف بیشتر موفق شوند؟

پاسخ: تنها نظری که دارم تاسف فراوان من است از این که چرا چنین بنیادهائی کم هستند و کاری که می بایست در حمایت دولتی و اختصاص بودجه - های سنگین باشد، باید بطور خصوصی انجام شود ولی آرزو دارم که در حمایت چنین سازمانهایی مردم علاقمند به هنر و موسیقی را بیشتر ببینیم.

ماريو تقدسی

سؤال: آقای تقدسی از تحصیلات و تجربیات خودتان در موسیقی کلاسیک برای ما بگوئید.

پاسخ: من ماریو تقدسی در خانواده ای هنرمند متولد شدم. پدرم هنرپیشه بسیار معروفی است و موسیقی را با نواختن ویلن در زادگاهم تهران شروع کردم. بعد توانستم با اخذ بورس تحصیلی در قسمت تخصصی آواز به دانشگاه جولیارد که یکی از معروفترین دانشگاههای موسیقی آمریکا است بروم و از محضر استادانی چون، شریل میلنز، لوسیانو و رنی تبالدی پاوراتی برخوردار شوم. در سالهای ۸۳ تا ۸۶ در اپرای وین با آقای پاوراتی روی صحنه های مختلف کار کردم. در سن بیست و یک سالگی جایزه «آرتیست آینده» را در مسابقه آواز از آن خود کردم. در صحنه های اپراهای مختلف جهان بیش از چهل نقش مختلف داشتم و از میان آنها رپرتوار لنینگراد و ژاپن بسیار موفق بود. با آقای علی رهبری، رهبر معروف ایرانی به همراهی ارکستر رادیو تلویزیون بلژیک نیز همکاری نزدیک داشته ام و حالا مدتهاست روی آهنگهای کلاسیک و فولکلوریک ایران کار می کنم و سی دی های مختلفی هم به بازار داده ام. یکی از آنها بنام «بهترین ها در دنیا» است که باز خوانی معروفترین آهنگهای انگلیسی، آلمانی و ایتالیایی است.

سؤال: به هر حال موسیقی کلاسیک، موسیقی بومی ایران نیست و هنرمندان هنر ایرانی بیشتر این را در کشورهای خارجی آموختند. به نسبت استانداردهای بین المللی آیا هنرمندان ایرانی جایگاهی شایسته در عرصه این موسیقی جهانی داشته اند؟

پاسخ: البته تعداد موسیقیدانان خوب ایرانی که تحصیلات کلاسیک دارند و در این راه بسیار هم موفق شده اند کم نیست. امثال خانم یشمی دروین، خانم آزرمی در دوسلدورف، خانم پری ثمر در فرانکفورت، پیام تقدسی، فیروزه نوائی و حسین سمیعان در آلمان، ولی آرزوی من این است که بیشتر جوانهای ایرانی را علاقمند به تحصیلات کلاسیک بینم. مثالی در فارسی است که می گوید: هنر نزد ایرانیان است و بس، و من بسیار معتقدم که هنوز استعدادهای جوان و علاقمند ایرانی فراوان است که می بایست کشف شود، شانس داده شود و تعلیم ببینند.

سؤال: نظرتان راجع به سازمانهایی نظیر توس چیست و با تکیه به سالها تجربه، شما فکر می کنید چه اقدامات دیگری باید انجام گیرد تا در این راه مهمی که در پیش است موفقیتی بیشتر حاصل آید؟

پاسخ: به عقیده من بنیاد توس بسیار سازمان موفق با اهداف مقدسی است و پیشنهاد من این است که به جوانها هم در این زمینه فرهنگ و هنر ایرانی بیشتر شانس داده شود.